فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

وجه مشترک فضای سیاسی انتخابات مجلس یازدهم نقد دولت روحانی است

رقابت در «نه به روحانی»

صرف‌نظر از تاکتیک‌های رقابت، مساله اصلی در انتخابات مجلس در جمعه آتی و حتما انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰، نسبت جریان‌های سیاسی و نامزدهای انتخاباتی با وضع موجود است، وضع موجودی که موثرترین مولفه در شکل‌گیری آن، دولت حسن روحانی بوده و هست.

از یک سو رجوع به نظرسنجی‌ها گویای این است که ۴۶ درصد مردم مشکل اصلی این روزهای کشور را مسائل و مصائب اقتصادی می‌دانند، از سوی دیگر اعتراضات آبان‌ماه ۹۸ و دی‌ماه ۹۷ گویای همین مساله است و نهایتا مراجعه به آمارهای اقتصادی یا همان تاثیر فاکتورهای مالیه بر جیب و سفره مردم توضیح می‌دهد که چرا مردم از شرایط امروز که ناشی از عملکرد دولت‌های حسن روحانی است، ناراضی هستند و برای رای‌دهی به نسبت هر نامزد انتخابات با دولت نگاه می‌کنند.

مختصر توضیح در مورد وضعیت اقتصادی و آمارهای رسمی به این شکل عنوان می‌شود:

۱-رشد اقتصادی کشور در طول دوران ریاست جمهوری حسن روحانی به‌صورت متوسط نزدیک به صفر بوده و امسال به‌زعم صندوق بین‌المللی پول، این رقم به منفی ۹/۵ رسیده است.

۲-شاخص ضریب جینی که سطح نابرابری یا فاصله طبقاتی بین درآمد افراد یک جامعه را توصیف می‌کند، از عدد ۰/۳۶۵۰ در سال ۹۲، به رقم ۰/۴۰۹۳ در سال ۹۷ رسیده که در نوع خود قابل توجه است.

۳-حجم نقدینگی در جامعه در سال ۹۲ و زمان آغاز تصدی حسن روحانی در قوه مجریه، قریب ۴۹۰ هزار میلیارد تومان بوده که اکنون رکوردهای عجیب و غریبی را زده و مدت‌هاست از مرز ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان گذشته است؛ این یعنی بیش از ۷۵ درصد نقدینگی کشور فقط در دولت حسن روحانی خلق شده است.

۴-بیراه نیست که بزرگ‌ترین یا حداقل یکی از بزرگ‌ترین مشکلات این روزهای مردم برای معاش روزانه خود را، مشکل مسکن بدانیم. در شاخص قیمت مسکن بر بررسی داده‌های مرکز آمار ایران و وزارت راه و شهرسازی نشان می‌دهد از تابستان سال ۹۲ تا به امروز در شهر تهران قیمت مسکن از متری ۳/۸ میلیون تومان به ۱۲/۷ میلیون تومان رسیده است یعنی رشد اعجاب‌آور ۹ میلیون تومان در هر مترمربع مسکن. این عدد به‌معنای آن است که در مجموع ۲۳۹ درصد مسکن در تهران به‌طور میانگین گران شده است.

۵-رشد قیمت خودرو معضل دیگر است. برای مثال پراید در سال ۹۲ حدود ۱۹ میلیون تومان قیمت داشته که در همین روزهای اخیر با عبور از رقم ۶۰ میلیون تومان، رکوردی قابل توجه را از خود به‌جای گذاشت. این رقم در مورد دیگر خودروها نیز به همین شکل است و اعدادی چون رشد ۲۰۰ درصدی را نشان می‌دهد.

۶-اگر خاطرتان باشد نرخ دلار در تابستان سال ۹۲ روی رقمی حدود ۲۹۰۰ تومان ایستاده بود ولی حالا اعدادی چون ۱۳ و ۱۴ هزار تومان را تجربه می‌کند که با یک دو دو تا چهارتای معمولی می‌توان گفت حدود ۳۰۰ درصد رشد کرده است.

و دیگر مولفه‌های اقتصادی که آمار آن در کشور به‌خوبی قابل دسترسی است. موضوع آخر اما این است که اصلاح‌طلبان و اصولگرایان و حتی دیگر جریان‌های فعال در فضای سیاسی، همگی بر سر فاصله گرفتن با دولت اتفاق نظر دارند و می‌دانند که باید برای رای‌آوری خود را تنها آلترناتیو و جایگزین دولت حسن روحانی و حامیان وی در پارلمان معرفی کنند، چنانکه رجوع به بیانیه‌ها، شعارهای انتخاباتی و اظهارنظرهای آنها طی روزهای اخیر گویای همین مساله است. در شماره امروز «فرهیختگان» تلاش کرده‌ایم با دقت بیشتری این مساله را واکاوی کنیم.

اصولگرایان امیدوار به کارآمدی قالیباف و ناکارآمدی برجام

اصولگرایان از انتخابات سال ۹۲ و بعد در بزنگاه‌های مختلف مثل انتخابات سال ۹۴، ماجرای تصویب برجام (تشکیل کمیسیون ویژه بررسی توافق هسته‌ای در مجلس به ریاست علیرضا زاکانی) و دیگر مقاطع خود را به‌عنوان رقیب و جایگزین دولت برای مردم تعریف کرده‌اند و حالا امیدوارند با کمک گرفتن از همین وضعیت سلبی و استفاده از نقاط خاص ضعف دولت یعنی عملکرد اجرایی و مساله سیاست خارجی، بتوانند مجوز حضور در مجلس را بیابند.

در ابتدا باید به یک نکته مقدماتی اشاره کرد؛ اینکه در میان فعالان سیاسی این جریان، افراد لب‌مرزی آنها هم که اصولگرای تام و تمام نبودند یا بودند و در فرآیند و گذر زمان تغییر کرده و در سال ۹۲ و در ایام بعد از آن به‌نوعی متحد حسن روحانی به حساب آمدند با افول دولت و ریزش بدنه اجتماعی، صدمه دیدند و در جریان انتخابات جاری از حضور در میدان عموما منصرف شدند. شاید مهم‌ترین چهره این جریان علی لاریجانی بود که از ثبت‌نام در انتخابات خودداری کرد و نزدیکان وی نیز هرکدام‌شان به‌نوعی از گردونه انتخابات کنار رفتند، یکی سفیر شد، دیگری ثبت‌نام نکرد، آن یکی ردصلاحیت شد و....

در فرآیند انتخابات مجلس شورای اسلامی و در جریان ائتلاف‌ها و رایزنی‌های پیش از انتخابات هم، نهادها و تشکیلات نزدیک به همین مشی سیاسی که سابقه مشارکت در ستاد اصولگرایان حامی حسن روحانی را داشتند یا در مقاطع دیگر با وی همراه شده بودند، به‌ناچار گوشه عزلت گزیدند و انفعال بر کنش‌های سیاسی آنها سایه انداخت. این البته نافی این نیست که آنها بعد از انتخابات مجلس وارد فضای جدیدی نشوند و برای مثال در انتخابات آتی ریاست جمهوری ورودی نداشته باشند بلکه فعلا زمان نیاز دارند تا خود را بازسازی کنند. شاید گزاف نباشد که گفته شود بزرگ‌ترین خسران سیاسی در این سال‌ها برای افراد همین جریان رخ داد، چنانکه در نتیجه همراه شدن با دولت هم دچار ضعف در بدنه اجتماعی شدند و هم از پایگاه اصلی خود دور افتادند و شاید به‌سادگی نتوانند به آن بازگردند. علاوه‌بر این، اصلاح‌طلبان و دولت نیز نشان دادند دیگر بنای ائتلاف با آنها را ندارند.

دومین مساله در مورد قاطبه جریان اصولگرایی اعم از احزاب و گروه‌های مختلف از احزاب شرکت‌کننده در شورای ائتلاف گرفته تا جبهه پایداری و دیگران و حتی افرادی که فعلا در هیچ‌یک از این دو مجموعه نیستند، مانند حمید رسایی و برخی دیگر از فعالان سیاسی این جریان، همگی از همان سال ۹۲ دارای وجوهی از مخالفت و انتقاد نسبت به حسن روحانی بودند و لذا تلاش می‌کنند امروز از همان سابقه ۶ سال گذشته و ظرفیتی که امروز برای نمود آن رزومه ایجاد شده، استفاده کنند و خود را اصلی‌ترین منتقد و جایگزین وضع موجود معرفی کنند.

الف: شورای ائتلاف اصولگرایان که «نجات اقتصاد ایران» را به‌عنوان یکی از شعارهای اصلی خود برگزیده است تلاش می‌کند از دو مزیت مهم خود برای مواجهه با وضع موجود استفاده کند؛ اول اینکه آنها محمدباقر قالیباف را سرلیست خود دارند و او را به‌عنوان نماد انتخاباتی به مردم معرفی کرده‌اند. ویژگی اصلی قالیباف چیست؟ او برای مردم تهران نمادی از کار جدی و پرحجم است، مردم تهران ساخت‌وسازهای عمرانی و گسترده وی در تهران را به‌خوبی به یاد دارند و لذا هسته مرکزی شورای ائتلاف امیدوار است که مردم بزرگراه‌ها، پل‌ها و متروی تهران را با کارنامه حسن روحانی مقایسه کنند و از این مسیر بتوانند برای حضور در مجلس موفقیت جدی کسب کنند.

دومین مزیتی که اصولگرایان به آن دل بسته‌اند، استفاده از اقتصادخوانده‌های منتقد دولت در لیست نهایی است. پنج، شش چهره اقتصادی منتقد جدی دولت از جمله الیاس نادران و سیداحسان خاندوزی به‌اضافه افرادی باسابقه مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی از جمله اقبال شاکری و مصطفی زمانیان کسانی هستند که اصولگرایان امید دارند با نام و نشان و رزومه آنها بتوانند رای جمع کنند. در این چند روز عمده تبلیغات آنها تلاش برای الصاق این تیم اقتصادی و ایده‌های آن با نام و کارنامه شهردار اسبق تهران بوده، چیزی که در اظهارنظر ویدئویی محمدباقر قالیباف هم قابل مشاهده بود.

همچنین دو مساله یادشده در کنار این مساله است که شورای ائتلاف با ترکیبی از طیف‌های مختلف سیاسی و ایدئولوژیک از اصولگرایان، نیم‌نگاهی هم به اقشار متوسط تهرانی دارد و امیدوار است علاوه‌بر بدنه ایدئولوژیک رای دیگر گروه‌های اجتماعی را در تهران کسب کند.

ب: جبهه پایداری به‌عنوان دومین گروه منتقد دولت درون اصولگرایی، در یکی، دو حوزه در انتقاد و اعتراض به عملکرد دولت از دیگر گروه‌ها و جریان‌های سیاسی چه اصولگرا و چه غیراصولگرا جلوتر است. نماد این موضوعات مسائل مربوط به سیاست خارجی است. از آنجایی که برخی افراد و جریان‌های نزدیک به پایداری خود در تیم مذاکره‌کننده دولت‌های نهم و دهم حضور داشته‌اند در مساله مذاکرات هسته‌ای از سال ۹۲ به‌بعد فعال‌تر بودند و همواره تلاش کردند انتقاد و ایرادهای خود را نسبت به نحوه کار و عملکرد محمدجواد ظریف و دستگاه دیپلماسی عنوان کنند. در مساله برجام یا FATF افرادی چون سیدمحمود نبویان یا وحید یامین‌پور از چهره‌های شناخته‌شده بودند و همراه یک طرف ماجرای مواجهه با دولت. از این منظر جبهه پایداری هم دارای وجوه واضح و شناخته‌شده‌ای در مواجهه با دولت است و می‌خواهد از این مسیر رای مردمی را برای خود کند.

علاوه‌بر این، جبهه پایداری روی بدنه ایدئولوژیک جریان اصولگرایی در تهران هم حساب ویژه‌ای باز کرده است. آنها خود را به‌نوعی وارثان بدنه اجتماعی و ایدئولوژیک دولت نهم می‌دانند و سهم قابل توجهی از رای این افراد را در سبد خود تصور می‌کنند.

در پایان البته باید نکته دیگری را هم متذکر ش؛ با همه این توصیفات یادشده اصولگرایان با مشکل مهمی مواجهند که در چند روز گذشته مورد توجه رسانه‌ها و حتی بدنه اجتماعی آنها قرار گرفته است. در زمانی که این متن نگاشته می‌شود، حداقل دو لیست اصلی میان اصولگرایان وجود دارد؛ لیست شورای ائتلاف و لیست جبهه پایداری و این البته سوای لیست‌های متعدد دیگری است که از سوی شخصیت‌های سیاسی و مذهبی در فضای مجازی منتشر شده و دست‌به‌دست می‌چرخد. از آنجایی که این لیست‌ها دارای کمترین چهره‌های مشترک با یکدیگر هستند، کارشناسان سیاسی گمان می‌کنند ممکن است رای‌های این جریان شکسته شده و میان حدود ۸۰ تا ۹۰ نفر تقسیم شود، در این صورت آنها قافیه را به رقبای خود واگذار کرده و از حضور در مجلس بازمی‌مانند.

عدالتخواهان و دولت حسن روحانی

نوچپ‌گرایان یا همان اعضای جریان نوظهوری که ذیل پویش عدالتخواهی فعالیت می‌کنند با وجود ظهور و بروز محدودی که این روزها دارند از جدی‌ترین مخالفان حسن روحانی و دولت ائتلافی او به حساب می‌آیند. باید این‌طور گفت که وجود دولت حسن روحانی با ویژگی‌هایی که حالا همه از آن خبر دارند، به‌طور طبیعی منتقدان سرسختی چون عدالتخواهان را می‌تواند داشته باشد. عدالتخواهان حداقل در دو سطح با دولت روحانی و مدیرانش مرزبندی جدی دارند. فاصله جدی با ساده‌زیستی، حضور وزرای ۱۰۰۰ میلیاردی و دیگر تعاریف ذیل اشرافی‌گری از توصیفات ذاتی است که برای رفتار کارگزاران دولت روحانی به کار می‌رود و افزایش فاصله طبقاتی، توزیع ناعادلانه ثروت و ایجاد رانت و مفاسد اقتصادی هم تعریف‌هایی است که درخصوص نتیجه عملکرد دولت روحانی وجود دارد، از این‌رو می‌توان این دو وجه را از اصلی‌ترین تعارضات نظری و کارکردی میان عدالتخواهان و کارگزاران دولت‌های یازدهم و دوازدهم دانست.

از سوی دیگر مرور شعارها، اظهارنظرها و برنامه‌های انتخاباتی این جریان در روزهای اخیر هم گویای این است که آنها به جدی‌ترین شکل ممکن نسبت به دولت منتقدانه رفتار می‌کنند و از قضا چندین پروژه در این زمینه را نیز به سرانجام رسانده‌اند؛ ماجرای ویلای لواسان دختر محمدرضا نعمت‌زاده یکی از آنهاست.

عبور از مرزگذاری با دولت و نشستن بر کرسی آلترناتیو وضع موجود

اینکه اصولگرایان در فضای انتخاباتی کنونی به نقد صریح عملکرد دولت بنشینند و کارنامه آن را واو به واو به چالش بکشند، چیز جدیدی نیست و جز این هم انتظاری نبود. هرچه باشد این جریان در هفت سال گذشته نیز سوگیری‌های روشنی نسبت به دولت داشته و آنچه را این روزها ملاحظه می‌شود نیز در امتداد همان رویکرد باید تفسیر کرد.

برخاستن اصلاح‌طلبان از دنده انتقاد به روحانی اما نوعی خرق عادت محسوب می‌شود و پیشینه چندانی ندارد. هرچه باشد این جریان در ائتلافی علنی، زمینه پیروزی روحانی را فراهم آورد و با کنار گذاشتن معاون اول دولت اصلاحات، برای ورود شیخ اعتدال به پاستور فرش قرمز پهن کرد. سال ۹۶ نیز آش همان آش بود و کاسه همان کاسه و کار حتی به‌جایی رسید که این جریان برای آنکه کار از محکم‌کاری عیب نکند اسحاق جهانگیری را که از او به‌عنوان برجسته‌ترین نیروی اصلاح‌طلب حاضر در کابینه یاد می‌شد، با عنوان تحقیرآمیز کاندیدای ضربه‌گیر و یار کمکی راهی رقابت‌ها کردند.

پایان ائتلاف اصلاح‌طلبان با دولت

هرچه بود دولت‌های یازدهم و دوازدهم با حمایت اصلاح‌طلبان تشکیل شد و چسبندگی این دو به‌هم نیز به‌گونه‌ای بود که این جریان در توصیف ماهیت این همبستگی خود را دندانه‌های کلید روحانی و حتی فراتر از آن ستون فقرات دولت او خوانده بودند. با این حال اما ایام ماه عسل که به‌سر آمد و با شکست حداکثری ایده مرکزی دولت در توسعه برون‌زا و حل مشکلات از مسیر مذاکره با غرب و تشدید تحریم‌ها، مردم روزهایی را تجربه می‌کنند که در آن رشد اقتصادی به منفی ۹/۵ درصد رسیده، حجم نقدینگی از مرز ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان گذشته، قیمت مسکن چندبرابر شده، پراید رقم افسانه‌ای ۶۰ میلیون تومانی را به خود اختصاص داده و... به هر ترتیب کارنامه کمرشکن روحانی و رفقا، باری نیست که اصلاح‌طلبان بتوانند به این سادگی‌ها آن را به دوش بکشند و در عین حال پشتوانه بدنه اجتماعی خود را هم حفظ کنند. افکارعمومی وضع موجود را محصول نحوه سیاست‌ورزی آنها می‌بیند و احیای این بدنه و جلوگیری از تشدید ریزش‌ها در آن بیش از هرچیز مرزبندی با دولت و حتی نواختن آن را می‌طلبد. انتقادهای گاه و بی‌گاه اصلاح‌طلبان از دولت و تلاش برای مرزگذاری با آن را از همین زاویه می‌توان فهم کرد. تلاش‌هایی که این روزها و در آستانه انتخابات مجلس بیش از هر زمان دیگری شدت گرفته و لحن انتقادها را از قبل هم بسیار تندتر کرده است.

عملکردی که اصلاح‌طلبان را به انفعال کشید

هرچه هست فضای مورد اشاره به‌نحوی اساسی بر نوع کنش انتخاباتی اصلاح‌طلبان سایه انداخته و بسیاری از آنها را از نقش‌آفرینی در متن تحولات انتخاباتی به حاشیه رانده است. موضوعی که بیش از هرچیز در ثبت‌نام‌ها پدیدار شد و نمود عینی آن خودداری بسیاری از فعالان حزبی این جریان از کاندیداتوری به‌رغم اصرار رهبران اصلاحات بود. محمدجواد روح، عضو دفتر سیاسی حزب اتحاد ملت همان روزها در گفت‌وگو با «فرهیختگان» عامل استقبال سرد اصلاح‌طلبان از کاندیداتوری با وجود فراخوان‌های متعدد صورت گرفته را عبور نکردن آنها از روحانی و از دست دادن سرمایه اجتماعی ارزیابی کرد و با بیان آنکه درون احزاب هم تمایلی به مشارکت انتخاباتی وجود ندارد، گفت: «اینکه صلاحیت آنها تایید می‌شود یا خیر، بحث دیگری است. ضمن اینکه همین‌هایی هم که آمدند با هزار درخواست و نامه و به‌واسطه خاتمی و تلفن و به‌اصطلاح من بمیرم، تو بمیری به میدان آمده‌اند.» به گفته این فعال رسانه‌ای اصلاح‌طلب، این واقعیت نشان می‌دهد انگیزه مشارکت سیاسی حتی بین خود نیروهای حزبی از بین رفته است؛ چه برسد به بدنه اجتماعی! او حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و تصریح می‌کند که راس جریان اصلاحات هم بی‌انگیزه شده و اکثریت در «کار نکردن» و «کنار کشیدن» با هم همراه هستند. آن‌طور که روح توضیح می‌دهد اگر در حال حاضر هم مانند دو سال پیش (سال ۹۶) با تکرار خاتمی دو، سه‌میلیون نفر در تهران رای می‌دادند، امروز بین اصلاح‌طلبان برای ثبت‌نام کردن و در لیست رفتن رقابت سنگین بود، اما الان چون می‌دانند کسی پای صندوق نمی‌آید و درواقع قبر خالی است؛ کسی هم سر آن گریه نمی‌کند!

۱۰۵ نفر روی خاتمی را زمین انداختند

مشابه همین اظهارات را هفته پیش مجید انصاری در نشست حزب ندای ایرانیان به بیانی دیگر مطرح کرد. سرلیست مشترک کارگزاران و ائتلاف اصلاح‌طلبان از جلسات متعددی گفت که رئیس دولت اصلاحات و مشاورانش در جمع‌بندی آنها تصریح کرده با توجه به شرایط فعلی به‌طور مشخص ۱۱۰ نفر از فعالان اصلاح‌طلب در انتخابات ثبت‌نام کنند. آن‌طور که انصاری روایت می‌کند به‌رغم تاکید خاتمی از جمع ۱۱۰ نفری مورد اشاره، تنها پنج نفر ثبت‌نام کردند و این یعنی ۱۰۵ نفر دیگر جا زده و روی خاتمی را زمین زده‌اند. موضوعی که به‌نظر می‌رسد ریشه‌اش همانی است که پیش‌تر روح به‌صراحت از آن سخن گفته بود. محمد عطریانفر، عضو موثر حزب کارگزاران هم همین نظر را دارد و معتقد است تمام تبعات اجتماعی منفی عملکرد دولت بر دوش اصلاح‌طلبان است و در چنین شرایطی استعداد همراهی جامعه با اصلاح‌طلبان وجود ندارد. موضوعی که در عدم توفیق فراکسیون امید، به عقب‌نشینی خاتمی در این دوره منجر شد و شرایطی را رقم زد که وضعیت مطلوبی در اختیار اصلاح‌طلبان نیست. عطریانفر حتی شورای عالی سیاستگذاری اصلاحات و خاتمی را به تعلل و عافیت‌طلبی متهم و تاکید کرد دست‌روی‌دست گذاشتن و لیست ندادن هم در چنین شرایطی دردی را دوا نمی‌کند.

اصلاح‌طلبان می‌گوید روحانی مناسب شرایط امروز کشور نیست!

این البته حداکثر نیمی از تاثیری است که عملکرد دولت بر کنش‌های سیاسی اصلاح‌طلبان گذاشته؛ نیم دیگرش را می‌توان در حملات صریح و و بی‌پرده آنها نسبت به وضع موجود و عاملان دولتی آن دانست. در این رابطه عطریانفر اعتقاد دارد دولت تحت‌تاثیر ناکارآمدی‌هاست. محمدعلی وکیلی هم خیلی روشن و بدون تعارف (در جمع یزدی‌های مقیم تهران) گفت: «حسن روحانی الان رئیس‌جمهور متناسب شرایط کشور نیست و ما امروز یک رئیس‌جمهور جسورتری در شرایط فعلی می‌خواهیم.» آن‌طور که وکیلی متوجه شده «روحانی یک فرد راهبردی است که برای یک کشور سیر مناسب است».

کارگزاران هم ساز جدایی کوک کرد

آن‌طور که به‌نظر می‌رسد پشت روحانی این روزها بدجور خالی شده است و حتی حامیان استراتژیک او در حزب کارگزاران هم دل‌خوشی از استمرار همراهی با رئیس‌جمهور مورد حمایت‌شان ندارند. کما اینکه سیاستگذاران انتخاباتی این حزب نیز در بیانیه اخیر آن از دل خونین‌شان نوشتند که به‌واسطه عملکرد دولت و سایر نهادهای برآمده از حمایت آنها نظیر مجلس و شورای شهر به درد آمده و از کارنامه‌ای گفتند که حالا اقناع بدنه اجتماعی به تداوم مشارکت سیاسی و انتخاباتی را دشوار ساخته است. در این بیانیه همچنین به نمونه‌هایی از سوءتدبیر مجریان در اداره امور کشور نظیر شیوه گرانی بنزین هم اشاره شده و نویسندگان آن تصریح کرده‌اند همین سوءتدبیرها به بحران «اعتماد عمومی» دامن زده است. انتخاب شعارهایی چون «عبور از ناامیدی» در فاصله کمتر از دو سال مانده به پایان دولت تدبیر و امید و «احیای کارآمدی» در شرایطی که پیش از این دولت فعلی، دولت ژنرال‌ها و وزرای کاردان خوانده می‌شد، پیام‌های خاص خود را دارد؛ پیام‌هایی که طرح این شعارها در بستر زمانی کنونی، آنها را قابل فهم‌تر می‌کند. هرچه هست به‌نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان هم تلاش دارند در رقابت نشستن بر جایگاه دگر وضع موجود و قرار گرفتن در نقطه مقابل دولت، از رقبا عقب نیفتند و با عبور از فاز مرزگذاری با روحانی، حالا با نیم‌نگاه به ۱۴۰۰ خود را آلترناتیو وضع موجود معرفی کنند؛ رویکردی که البته مشخص نیست تا چه حد بتواند در بدنه اجتماعی این جریان مقبول افتاده و اقدامی صادقانه تلقی شود.